شاخ غول جست‌وجوگر شکست

تاوان بزرگ «بی‌گناهی مسلمانان» برای گوگل!

الناز خمامی‌زاده

برخی رسانه‌های خارجی روزشنبه از صدور حکمی خبر دادند که پس از یک سال و اندی کمپانی گوگل و سایت اشتراک ویدئوی یوتیوب را ملزم به حذف ویدئوی ضداسلامی و توهین آمیز «بی‌گناهی مسلمانان» از فضای اینترنت می‌کند؛ شعبه نهم دادگاه استیناف ایالات متحده امریکا در سان‌فرانسیسکو این حکم را صادر کرده است و اجرای آن می‌تواند هزینه‌های مالی سنگینی بر دوش کمپانی گوگل بگذارد؛ کمپانی گوگل همچنان در مقابل این حکم مقاومت می‌کند و این در حالی است که گفته می‌شود دادگاه امریکایی تنها خواهان آن است که بخش‌هایی از این ویدئو حذف شود:

به گزارش «جوان»، کمپانی گوگل و شرکت تابعه آن یعنی یوتیوب در آستانه پس دادن تاوان انتشار یک‌ویدئوی توهین‌آمیز علیه پیامبر اسلام هستند که در بیش از یک سال پیش منجر به اعتراضات گسترده مسلمانان سرتاسر جهان شده‌بود؛ گوگل که شرکت مادر سایت اشتراک ویدئوی یوتیوب محسوب می‌شود به رغم اوج گرفتن اعتراضات هزاران مسلمان سرتاسر جهان در آن زمان حاضر به حذف این ویدئوی توهین‌آمیز نشد و حتی به درخواست دولت امریکا برای پایین کشیدن این ویدئو از فضای اینترنت جواب رد داد؛ اکنون اما غول موتور جست‌وگر گوگل گرفتار یک حریف نیرومندتر شده است؛ بازیگری پاره وقت به نام سیندی لی گارسیا که برای پنج ثانیه بازی در این فیلم ۵۰۰ دلار گرفته بود از این فیلم به دادگاه اعتراض کرده است. در دادخواست این بازیگر گفته شده که این فیلم معیشت و امنیت او را به خطر انداخته و کپی رایت او را نقض کرده است. این بازیگر به شعبه نهم دادگاه استیناف ایالات متحده امریکا در سان فرانسیسکو مراجعه کرده و با اعلام اینکه برای نقشش از حق کپی‌رایت برخوردار است خواستار حذف این ویدئو از سایت یوتیوب شده است؛ دادگاه استیناف امریکا نیز این خواسته را قانونی دانسته و حکم حذف این ویدئو از روی یوتیوب را صادر کرده است. با این حال گوگل همچنان در مقابل این حکم قانونی مقاومت می‌کند اما تاکنون تلاش‌هایش راه به جایی نبرده است. گوگل بیم آن را دارد که به خاطر پخش ویدئوی «بی‌گناهی مسلمانان» تاوان سنگینی بپردازد. پایین کشیدن یک ویدئو از فضای اینترنت می‌تواند در دسرهای زیادی را برای گوگل و یوتیوب به همراه داشته باشد؛ در واقع گوگل باید حکم صادر شده از طرف دادگاه امریکایی را به طور کامل اجرا کند اما این کار برای این شرکت چندان آسان نخواهد بود؛ گوگل برای حذف این ویدئو نه تنها باید تمامی سیستم‌های زیرمجموعه خود را نظارت کند بلکه مجبور است در فرآیندی دشوار و برای جلوگیری از آپلود شدن نسخه‌های جدید این ویدئو توسط مردم زمان زیادی را صرف تجسس و نگهبانی فضای خود کند. اقدامی که برای این شرکت بی‌سابقه، زمانبر و هزینه‌بردار است. در واقع این تاوان بزرگی است که گوگل باید به خاطر چشمپوشی از قانون حقوق بشر در قبال نمایش یک ویدئوی ضد اسلامی بپردازد. با این حال یکی از سخنگویان گوگل گفته است: «ما با این حکم مخالف هستیم و علیه آن خواهیم جنگید.»

نبرد قانونی گوگل و تاوانی که این شرکت هم اکنون در حال پس دادن است نطق ختامی ماجرای اسلام‌ستیزی بی‌سابقه‌ای است که در جولای ۲۰۱۱ اتفاق افتاد؛ در آن زمان یک گروه فیلمسازی برای ساخت فیلمی کم بودجه با نام «کویر جنگجو» اقدام به جذب بازیگر و تصویربرداری یک داستان ماجراجویانه عربی در خارج از لس‌آنجلس کردند. اما مارک باسلی یوسف، تهیه‌کننده این فیلم بدون اطلاع بازیگران و دیگر عوامل فیلم در مرحله پس از تولید دیالوگ‌های ضد اسلامی را به این فیلم افزود و در جولای ۲۰۱۲، ۱۴ دقیقه از این فیلم را تحت عنوان «زندگی واقعی محمد» به عنوان تریلر و پیش‌نمایش روی سایت یوتیوب قرار داد. بر اساس این گزارش هم‌اکنون اگر کاربران ویدئوی ضد اسلامی «بی‌گناهی مسلمانان» را در فضای اینترنت جست و جو کنند با صفحه‌ای سیاه با پیغامی از طرف گوگل مبنی بر تعهد این شرکت به مبارزه علیه حکم قانونی حذف این ویدئو از روی اینترنت مواجه خواهند شد. این در حالی است که به نوشته گاردین رأی دادگاه امریکایی این است که تنها قسمت‌هایی از فیلم که گارسیا در آن بازی کرده است حذف شود اما گوگل و یوتیوب نمی‌خواهند هیچ بخشی از این فیلم غیراسلامی از روی اینترنت پایین کشیده شود! جالب آنجاست که بر اساس قوانین یوتیوب و شرکت گوگل که مسئول انتشار این ویدئوی ضد اسلامی هستند انتشار محتوای رسانه‌ای که به عقاید و باورهای قوم یا ملتی توهین کند خلاف قانون محسوب می‌شود!

شبکه مدرسه روی بخاری‌های نفتی!

اسماء معتمدی

شنیده‌ها حاکی از آن است که وزیر آموزش و پرورش قصد دارد با همکاری صداوسیما شبکه‌ای مجزا به نام شبکه «مدرسه» در تلویزیون راه‌اندازی کند؛ شبکه‌ای که محتوای آن در رابطه با دانش‌آموزان و فرهنگیان است و در آن برنامه‌های ویژه‌ای برای این قشر پخش می‌شود. به طور حتم با توجه به گستردگی سازمان آموزش و پرورش که مخاطبان زیادی هم دارد نیاز است تا در رسانه ملی فضایی برای آنها باشد اما سؤال ما این است چرا موازی‌کاری؟! مگر قرار نبود تا شبکه آموزش همان‌گونه که از اسمش هم پیداست در این راستا عمل کند؟! پس در این میان کاربرد شبکه آموزش چیست؟! علی‌الظاهر وزیر آموزش و پرورش می‌خواهد به این بهانه از اولیای دانش‌آموزان مبالغی دریافت کند، زیرا همه مسئولان کم و بیش معتقد هستند که بیشترین بار هزینه به عهده آموزش و پرورش است معلوم نیست علت این کار که مسلماً هزینه میلیاردی هم برای تأسیس و اجرایی کردن آن می‌خواهد چیست؟!

این در حالی است که هنوز اغلب مدارس ما استاندارد نیستند و شرایط اولیه ایمن‌سازی درمورد حوادثی چون زلزله را ندارند حتی برخی از مدارس قدمتشان به عهد قاجار می‌رسد که هر آن احتمال خراب شدن آنها بر سر دانش‌آموزان است؛ و در مناطق محروم دانش‌آموزانی هنوز در شرایط بسیار نامناسب مجبور به تحصیل هستند و هنوز در بسیاری از نقاط کشور مشکل بخاری نفتی و تکرار حادثه تلخ مدرسه شین‌آباد وجود دارد و... چه لزومی به هزینه کردن برای احداث شبکه مدرسه است؟!

آقای وزیر آموزش و پرورش! بهتر نیست به‌جای این‌که با صرف هزینه سنگین، شبکه مستقلی را تأسیس کنید قصور این شبکه را در دیگر شبکه‌های تلویزیونی پررنگ نمایید؟! برای مثال: شبکه ورزش می‌تواند پایه بسیار خوبی برای ورزش مدارس کشور باشد یا شبکه قرآن و معارف اسلامی می‌تواند به آموزش کودکان و آموزش معارف و علوم قرآنی آنها کمک کند و... این‌که وزارتخانه زیرنظر شما متقاضی تأسیس یک شبکه اختصاصی برای مدرسه شده است؛ درحالی‌که چند سال پیش شبکه آموزش برای همین منظور تأسیس شد ولی از قرار نتوانست در راستای اهداف آموزشی خود برنامه مشخصی داشته باشد و این خود جای سؤال دارد؟! برای نمونه چرا برنامه «رادیوهفت» در شبکه آموزش پخش می‌شود؟! آقای وزیر آموزش و پرورش! بهتر نیست به‌جای این‌که این گونه بودجه بیت‌المال را هزینه کنید آن هم در زمانی که بحران مالی زیاد است و حضرت آقا فرمان به اقتصاد مقاومتی داده‌اند راهکار دیگری بیندیشید و در سایر شبکه‌های تلویزیون فعال باشید و فرهنگ‌سازی کنید؟! مسلماً این برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش، کاملاً مغایر با اقتصاد مقاومتی است؛ درحالی‌که این سازمان عریض و طویل، چاله‌های زیادی در مباحث اقتصادی دارد هزینه‌تراشی بیهوده تعجب‌آور است و آموزش و پرورشی که هنوز برخی از مدیران آن به نام کمک به مدرسه (برای همه اولیای دانش‌آموزان اجباری است) مدت‌هاست اصل ۳۱ قانون اساسی کشور را رسماً زیر سؤال برده است و برخی از خانواده‌ها را نسبت به دوگانگی حرف و عمل نظام بدبین کرده است چه لزومی دارد که ناگهان میلیاردها تومان بودجه‌ای که حق سرانه آموزشی کودکان و نوجوانان این مرز و بوم است را هزینه کاری کند که ضرورت چندانی ندارد و مشابه آن در تلویزیون موجود است؟! اگر این سازمان می‌خواهد به تلویزیون راه یابد، باید به دنبال مطالبه حق خود باشد که در شبکه آموزش جایگاه خود را بازیابد یا با تعامل دیگر مدیران شبکه‌های تلویزیونی حضوری مؤثر داشته باشد، نه این‌که از کیسه بیت‌المال بلندگویی برای اهداف سیاسی مهیا کند، زیرا سیاست تا وقتی خوب است که در خدمت فرهنگ و آموزش باشد نه خلاف آن.

گفت‌وگو با محمدرضا عباسیان

بخش بین‌الملل جشنواره‌ها باید بستر حمایت از فیلمسازان استکبارستیز دنیا باشد

محمد مهدی شیخ صراف

هر چند مدتی از اختتامیه سی و دومین جشنواره فجر می‌گذرد اما مسائل بخش بین‌الملل جشنواره فجر و فرایند بین‌المللی شدن جشنواره‌های فیلم در ایران مسئله‌ای است که در هیاهوی رخدادهای سینمای ایران مهجور مانده و کمتر مرد توجه واقع شده است. همین مسئله ما را بر آن داشت تا به سراغ «محمدرضا عباسیان» دبیر سابق جشنواره فیلم فجر که مدیریت سی و یکمین دوره را بر عهده داشت برویم و در رابطه با سابقه و سرنوشت یک جشنواره بین‌المللی سینمایی و سایر جشنواره‌های بین‌المللی فیلم به گفت‌وگو بنشینیم. متن زیر شرح گفت‌وگو با این فیلمساز و مدیر سابق موسسه رسانه‌های تصویری است.

بهتر است از جشنواره امسال شروع کنیم. آقای عباسیان! اکنون وضعیت برگزاری و میزان تأثیرگذاری بین‌المللی جشنواره فیلم فجر در چه سطحی است؟

جشنواره سی و دوم که در حوزه سینمای ایران برگزار شد به لحاظ اجرایی نمره قابل قبولی خواهد گرفت و باید به تیم برگزارکننده جشنواره خسته نباشید گفت اما متأسفانه به همان اندازه از لحاظ محتوایی نمره قابل قبولی نمی‌گیرد زیرا فیلم‌هایی در جشنواره حضور داشتند که قطعا در شأن انقلاب و در شأن جشنواره‌ای با نام فجر نبودند. این در حالی است که ما به سینما نگاه ایدئولوژیک داریم و اتفاقاً نگاهمان به رسانه، نگاه ابزاری است برای همین هم هست که با سینمای هالیوود که تلاش دارد تا افکار عمومی را در جهت استراتژی‌ها و سیاست‌های استکبارانه‌اش هدایت کند مخالفیم، در طرف مقابل سینمایی چون سینمای هالیوود فیلمسازانی هم هستند که بر اساس ارزش و نگاه ملی، نگاه استکبارستیزانه و حتی نگاه اسلامی ما فیلم می‌سازند اما هیچ حمایتی از آنان صورت نمی‌گیرد، جشنواره فجر باید فضای بروز این استعدادها در دنیا باشد.

آیا علاوه بر هالیوود، نمونه‌های ملموس دیگری هم در این زمینه وجود دارد؟

حمایت جشنواره فجر از چنین استعدادهایی کار عجیبی نیست این همان کاری است که دوبی در راستای سیاست‌های خودش از سال‌های گذشته انجام می‌داد، به طوری که بخش مسابقه دوبی سالیان سال فقط عربین فیلم بود یعنی تعیین کرده بودند که هم فیلمساز و هم موضوع فیلم، باید عربی باشد برای این گونه فیلم‌ها جایزه ۱۰۰ هزار دلاری هم در نظر گرفتند بعد از مدتی هم بخش سینما و آفریقا را به جشنواره‌شان اضافه کردند در واقع جشنواره‌ای مانند دوبی سعی دارد تا در جهت اهداف و سیاست‌هایش، فیلمساز رشد بدهد بنابراین چرا ما نباید به فکر باشیم و چرا نباید از فیلم‌هایی که مطابق با استراتژیک ماست و نگاه استکبارستیزی و ضد استعماری و نگاهی اسلامی دارد را حمایت کنیم. اگر از چنین فیلم‌ها و فیلمسازانی تجلیل و حمایت شود مسلما بعد از ۵ تا ۱۰ سال جشنواره فجر که جایگاه ویژه‌ای هم دارد الگوی تمامی جشنواره‌های فیلم در کشور خواهد شد، نه تنها جشنواره فجر بلکه جشنواره فیلم کودک، سینمای حقیقت و فیلم کوتاه تهران که سه جشنواره مطرح و مرجع در کشور هستند می‌توانند در این راستا الگوسازی کنند اما متأسفانه تا به حال چنین اتفاقی به صورت جدی شکل نگرفته است.

زمانی در جشنواره سینما حقیقت مهمانانی که در طول سال‌ها در این جشنواره دعوت می‌شدند که بعدها بسیاری از آن‌ها از فیلم وطن فروشانه یک خانواده محترم آقای بخشی حمایت کردند و سرمایه‌گذاران فیلم هم از بین همین مهمانان خارجی جشنواره سینما حقیقت بودند. یعنی نتیجه چند سال بخش بین‌المللی جشنواره ما این شد که در خدمت یک شخص و یک فیلم ضد ایرانی درآمد!

یکی از موارد دیگر از ضعف جشنواره فجر حجم زیاد فیلم‌ها و حجم بالای جوایز در نظر گرفته شده بود و این مسلما از لحاظ حرفه‌ای برای یک جشنواره بین‌المللی موضوع درستی نخواهد بود.

اما بخش بین‌الملل منحصر به حضور فیلم‌های خارجی نیست. امور دیگری هم هست.

در رابطه با جشنواره بین‌المللی امسال فجر نیز می‌توان آن را به سه بخش تقسیم کرد که یک بخش مربوط به بخش کارگاه‌ها بود که خوشبختانه اساتید بسیار خوبی در آن حضور داشتند و بسیار خوب برگزار شد، بخش دیگر بین‌المللی جشنواره هم مربوط به سینمای ایران است که متأسفانه در این بخش عقبگرد داشتیم و شاید یکی از دلایلش هم به خاطر این بود که مسئولیت‌ها دیر به برگزیدگان سپرده شد و در کل فیلم‌های خوبی در بخش بین‌الملل نداشتیم و می‌توان گفت که اتفاق درخشانی در بخش‌های ویژه‌ای که در کنار بخش برای اینکه ویدئو رسانه بخش خصوصی در بازار شرکت کند از هر نفر ۱۵۰ هزار تومان دریافت می‌کردند در صورتی که از کشورهای دیگر افراد را رایگان می‌بریم و می‌آوریم اما برای یک مؤسسه داخلی هزینه‌های نامعقول در نظر می‌گیریم، ما کمپانی دعوت می‌کنیم و برای این دعوت هزینه زیادی هم پرداخت می‌کنیم تا بیایند و فیلم‌هایشان را بفروشند در حالی که باید خریدار بیاید تا این بازار رونق پیدا کند، خریدار هم در ایران تلویزیون

وضع بازار فجر امسال بسیار نامناسب بود، امسال به شکل بسیار نامعقولی برای اینکه ویدئو رسانه بخش خصوصی در بازار شرکت کند از هر نفر ۱۵۰ هزار تومان دریافت می‌کردند در صورتی که از کشورهای دیگر افراد را رایگان می‌بریم و می‌آوریم

و مؤسسات رسانه‌ای است که در این میان تلویزیون هیچ الزامی برای حضور در بازار فجر ندارد؛ زیرا در بازارهای متعدد بین‌المللی شرکت می‌کند از طرفی جشنواره بازار فیلم ایران را هم تلویزیون برگزار می‌کرد که البته بعد از چند دوره مدیران تلویزیون بازار را تعطیل کردند زیرا برای سفرهایشان که دیگر توجیهی نداشت تحت فشار بودند. با این اوضاع برای مهم‌ترین خریدار فیلم داخلی اینطور شرایط تعیین کردند که در شأن مهمان‌های داخلی نبود. یکی ازموضوعات که در رابطه با بخش بازار امسال در سکوت ماند تصفیه حسابی بود که با مدیر دوره قبل صورت گرفت که به صرف اینکه سال گذشته مدیر بخش بازار شده بود از او انتقام گرفتند، در صورتی که ایشان فردی بسیار توانمند بود و یکی از معدود افرادی است که دست اندر کار جدی حوزه خرید و فروش فیلم‌های بین‌المللی در ایران است اما به او اجازه ورود به بخش بازار را ندادند و این لکه ننگی برای جشنواره امسال خواهد بود.

سال گذشته تنها سالی بود که بخش بین‌الملل جشنواره را به ما سپردند در صورتی که بخش بین‌الملل جشنواره به زمانی حداقل یک ساله برای برنامه‌ریزی و اجرا نیاز دارد، با این حال ما این بخش را نه تنها شبیه بلکه بهتر از سال‌های گذشته انجام دادیم

مسابقات وجود دارد صورت نگرفت. وضعیت برگزاری بازار جشنواره نیز امسال نمره مردود خواهد گرفت. به گونه‌ای که به جرأت می‌توان گفت که بدترین بازار در چند دوره اخیر، بازار این دوره جشنواره فجر بود و برگزارکنندگان جشنواره باید در کیفیت برگزاری بازار تجدیدنظر کنند.

امسال به نظر می‌رسید نظم درستی بر بازار بین‌المللی فیلم فجر حاکم نیست. مدت زمان آن بسیار کوتاه بود و به خصوص اینکه اجازه حضور خبرنگاران در بازار را هم ندادند.

وضع بازار فجر امسال بسیار نامناسب بود، امسال به شکل بسیار نامعقولی

۲۵ سال پیش آقای شجاع نوری روشی را در بخش بین‌الملل پایه‌گذاری کرد که واقعاً قابل تقدیر بود و در زمان خودش کارایی بسیار بالایی داشت اما الان دوستان ما بعد از گذشت ۲۵ سال هنوز هم همان روش را تکرار و تقلید می‌کنند که باید در این رابطه تجدیدنظر کنند زیرا مسلما روش ۲۰ سال گذشته با توجه به تغییر شرایط دنیای کنونی متفاوت شده است.

در حال حاضر هنوز هم دست اندرکاران در بخش بین‌الملل در جشنواره کن و برلین غرفه می‌گیرند و پوستر می‌زنند و معیارشان هم برای این حضور این است که نمایندگان جشنواره‌ها را ببینند و فیلم‌هایشان را عرضه کنند. انگار کار بین‌المللی هنوز هم در این موضوع خلاصه می‌شود که فیلم‌ها را به مدیران جشنواره‌ها برسانند در حالی که این روش در دنیای امروز که دنیای اینترنت و ایمیل است جوابگو نیست؛ بنابراین نه تنها بخش بین‌الملل جشنواره فجر بلکه در کل بخش بین‌الملل تمامی جشنواره‌های ما و همچنین سینمای ما باید دچار یک دگردیسی شود.

اما در برخی دوره‌های گذشته تجربه‌های موفقی از بخش بین‌الملل هم ثبت شده است. علت آن چیست؟

در زمان گذشته بخش بین‌الملل جشنواره دو کارکرد مهم داشت از جمله مهم‌ترین کارکرد آن این بود که علاقه‌مندان می‌توانستند فیلم‌هایی را ببینند که امکان دیدنش را نداشتند بنابراین مسئولان این بخش، فیلم‌ها را انتخاب می‌کردند، سانسور می‌کردند و در جشنواره به نمایش می‌گذاشتند؛ بنابراین از بخش بین‌الملل جشنواره به خصوص در سال ۷۴، ۷۵، ۷۶ استقبال بسیار زیادی از بخش بین‌الملل صورت می‌گیرد، کارکرد دوم این بود که نمایندگان فستیوال‌های مطرح فیلم‌ها را می‌دیدند و بعد انتخاب کرده و خریداری می‌کردند اما در حال حاضر هر دو کارکرد بخش بین‌الملل از بین رفته است زیرا دیگر جامعه به راحتی به فیلم‌های مختلف دسترسی دارند، از طرفی نمایندگان فستیوال‌ها که در جشنواره حاضر می‌شوند مدیران مطرح آن فستیوال نبوده و در حقیقت نمایندگان دسته چندم به ایران می‌آیند.

موضوعی که اینجا مورد سؤال قرار می‌گیرد این است که با وجود از بین رفتن کارایی گذشته بخش بین‌الملل باید این بخش را تعطیل کرد؟

به طور قطع نباید بخش بین‌الملل تعطیل و حذف شود بلکه باید روش‌ها را تغییر داده و از الگوهای جدیدی پیروی کنیم که این موضوع را ما پیشنهاد داده‌ایم و مسلما روش‌ها و الگوهای جدید نیاز به دوره‌ای چند ساله و سیاست‌گذاری‌های مناسب دارد. سال گذشته تنها سالی بود که بخش بین‌الملل جشنواره در اختیار ما قرار گرفت و در یک فاصله کوتاه که به جشنواره مانده بود برگزاری این بخش را به ما سپردند در صورتی که بخش بین‌الملل جشنواره به زمانی حداقل یک ساله برای برنامه‌ریزی و اجرا نیاز دارد، با این حال ما این بخش را نه تنها شبیه بلکه بهتر از سال‌های گذشته انجام دادیم و برای اینکه به دوستان ثابت کنیم که کاری را که آقایان مدعی هستند که باید با تجربه چندین ساله به ثمر رساند به همان شیوه گذشته اما با تغییراتی زیاد و مفید به سرانجام رساندیم و این کار را هم ظرف مدت بسیار کوتاهی انجام دادیم. ما حتی رایت یک فیلم را هم نخریدیم در صورتی که در فارابی مرسوم است که رایت فیلم می‌خرند تا در جشنواره شرکت کنند اما ما تنها در حد ۲۰۰ تا ۳۰۰ دلار به کمپانی‌های فیلم برای نمایش دادن فیلم پول پرداخت کردیم، در ضمن در بخش بین‌الملل جشنواره سال گذشته مروری بر سینمای لهستان داشتیم که در این رابطه هیئت مهمی متشکل از مدیر صدا و سیمای لهستان، رئیس خانه سینما و رئیس انجمن سینما لهستان حضور داشتند. علاوه بر آن نیز مروری بر سینمای چین را هم برگزار کردیم که در این رابطه معاون وزیر فرهنگ چین و کارگردانان معروف چین هم حضور داشتند.

با تمام این اوصاف آنچه امروز باید به آن دقت کنیم این است که بخش بین‌الملل جشنواره فجر و همچنین جشنواره کودک باید دچار تغییرات اساسی شود وادامه این وضعیت، مناسب جشنواره‌های ما نخواهد بود.

بازهم بی‌ملاحظگی در وزارت ارشاد

تجلیل از نسرین ستوده

محکوم امنیتی ۸۸ در تالار وحدت!

محمدرضا باقری

تئاتر «در روزهای آخر اسفند...» که مدتی است در تالار وحدت برگزار می‌شود به محلی برای تجلیل از فتنه‌گران تبدیل شد.

کنسرت ـ تئاتر «در روزهای آخر اسفند...» به کارگردانی «محمد رحمانیان» و سرپرستی ارکستر «بهروز صفاریان»، از ابتدای ماه جاری در تالار وحدت برگزار شده است. برنامه در قالب تئاتری با ایفای نقش توسط «اشکان خطیبی» و «غزل شاکری» آغاز شد که سناریو بر این اساس تدوین شده بود که اشکان خطیبی بیماری روان‌پریش است و قرار است در برابر روانپزشکش، روانکاوی شود. ماجرا بدون آورده شدن نام خاصی به مرور به سرگذشت تلخ اعضای گروه «یلو داگز» می‌رسد و رفته رفته مشخص می‌شود که اشکان خطیبی قرار است نقش قاتل اعضای این گروه را ایفا کند و به همه کرده‌هایش اعتراف کند.

برنامه در بخش‌های مختلف به مرور خاطرات عضو سابق یلو داگز (اشکان خطیبی) می‌رسد و کنسرت‌هایی که در خیال او اجرا می‌شوند. خانم روانپزشک هم یک عشق موسیقی تمام عیار است و به مرور درگیر این اجراها و این آثار می‌شود و در مقاطعی هم به همخوانی با ارکستر می‌پردازد.

در بخش‌هایی از این تئاتر اشکان خطیبی به همراه غزل شاکری خوانندگی کرده و قطعاتی به زبان انگلیسی را اجرا می‌کنند.

خوانندگی تنهای یک زن در این تئاتر نیز قابل تأمل است. پنج‌شنبه شب این تئاتر در حالی اجرا شد که از نسرین ستوده محکوم تازه آزاد شده فتنه ۸۸ تقدیر شد. اشکان خطیبی در پایان اجرای خود از ستوده دعوت کرد تا روی سن رفته و وی نیز اجرای خود را به وی تقدیم کرد.

ستوده ضمن قبول وکالت محکومان امنیتی در اغتشاشات و آشوب‌های سال ۸۸ حضور و نقش فعالی داشت. این تئاتر در حالی در تالار وحدت برگزار می‌شود که فضای آزادی در محل اجرا برقرار است و البته به شرکت‌کنندگان اجازه ضبط تصاویر داده نمی‌شود.

همسر بازیگر «آرایشگاه زیبا»:

حمید انگیزه زندگی را از دست داده است!

نازنین شادپی

حمید اوضاع خوبی ندارد. هر دو پایش را از ناحیه زیر زانو به پایین از دست داده است. اصلا به زندگی امیدوار نیست و این خیلی رنج‌آور است. حمید انگیزه‌ای که بخواهد زندگی کند را هم از دست داده است. همکاری نمی‌کند و داروهایش را نمی‌خورد. به تازگی هم لب به غذا نمی‌زند.

حمید مهرآرا از بازیگران قدیمی تلویزیون که بیش از هر چیز به واسطه ایفای نقش در سریال «آرایشگاه زیبا» و در قامت یکی از رفقای نزدیک «اسد خمارلو» شناخته می‌شد، مدتی بود که از شدت یافتن بیماری دیابت خود رنج می‌برد. مهرآرا که چند سالی است علاوه بر دیابت از بیماری افسردگی هم رنج می‌برد، به ناچار چند ماه پیش هر دو پایش را به دلیل شدت یافتن بیماری دیابتش از دست داد. به گزارش شبکه ایران «آریا» با همسر این بازیگر گفت‌وگویی داشته است که می‌خوانید:

همسر حمید مهرآرا با بیان شدت یافتن افسردگی همسرش گفت: «حمید اوضاع خوبی ندارد. هر دو پایش را از ناحیه زیر زانو به پایین از دست داده است. اصلا به زندگی امیدوار نیست و این خیلی رنج‌آور است. حمید انگیزه‌ای که بخواهد زندگی کند را هم از دست داده است. همکاری نمی‌کند و داروهایش را نمی‌خورد. به تازگی هم لب به غذا نمی‌زند.» همسر این بازیگر در خصوص عیادت هنرمندان از همسرش گفت: «عده‌ای از بازیگران لطف کرده‌اند و از حمید عیادت کرده‌اند. آقای فرجی مدیریت شبکه دو سیما و آقای فتحی هم خیلی لطف داشتند. من از همه دوستان تشکر می‌کنم. مشکل من حمید است که انگیزه برای بهبودی و امید به زندگی را دست داده است. من همه تلاشم را کرده‌ام اما متاسفانه جواب نگرفته‌ام.» حمید مهرآرا که هم اکنون ۷۰ سال سن دارد، در سریال‌های پرمخاطبی چون «امیرکبیر»، «پهلوانان نمی‌میرند» و «روزگار جوانی» بازی داشته است.